میراث

«خانه های تاریخی» میراث مهجور

بناها و محله‌های قدیمی مازندران در حالی موزه زنده و سرمایه ارزشمند فرهنگی این منطقه به حساب می آیند که سال‌هاست با برچسب بافت فرسوده و کلنگی بودن، هویت و اصالتشان در معرض تخریب قرار گرفته است. اما تجربه مدیریت‌های شهری پیشرو نشان می دهد راهکار نجات این بافت‌ها، نه در جنگیدن با تاریخ و اصالت، بلکه در تغییر نگاه از تخریب به حفظ و ایجاد ارزش افزوده است. جایی هنر مدیریت شهری این است که با ارائه مشوق‌هایی نظیر زمین معوض و توقف صدور مجوز نوسازی در هسته‌های تاریخی، هم به اصالت شهر جان می‌بخشد و هم دغدغه‌های مالی مالکان را برطرف می‌کند.

به گزارش ایرنا؛ حتماً این جمله به گوشتان خورده: خانه کلنگی است؛ قیمت زمین محاسبه می‌شود. این همان جمله‌ای است که هویت و اصالت یک خانه ارزشمند را به یک عدد در ماشین حساب کاهش می‌دهد. اما حقیقتِ تلخِ این نگاه، نادیده گرفتن آن است که بافت‌های باارزش و محله‌های قدیمی، فقط مجموعه‌ای از آجر و ملات نیستند؛ آن‌ها هویت و حافظه تاریخی زنده یک شهر به حساب می‌آیند.

برخی از خانه‌هایی که این روزها در شهرهای مازندران به عنوان خانه کلنگی معامله می‌شوند تا تخریب شوند و جای خود را به برج و آپارتمان بدهند، در شهرهای اروپایی یک ملک قیمتی به شمار می‌آیند؛ چرا؟ چون ارزش ملک در ذهن آن‌ها نه در میزان طبقات مجاز، بلکه در اصالت و تمایز است. برای آن‌ها بافت‌های تاریخی و محله‌های قدیمی حکم چاه نفت روی زمین را دارد. شاید در چشم بسیاری از افراد، برج‌ها و ساختمان‌های نوساز خیره‌کننده باشد، اما این یک حس گذرا به حساب می‌آید، چون حس تعلق به شهر در کوچه‌پس‌کوچه‌های بافت باارزش و قدیمی هر منطقه نهفته است. به همین خاطر «جین جیکوبز» نظریه‌پرداز بزرگ شهرسازی معتقد است ایده‌های نو، اغلب در ساختمان‌های قدیمی متولد می‌شوند. شهرها برای اینکه زنده بمانند، به ساختمان‌های قدیمی نیاز دارند تا فضایی برای خلاقیت، فرهنگ و کسب‌وکارهای کوچک فراهم کنند.

اصلاً به همین خاطر است که در آثار معماران معاصر برجسته ایران هم نوعی تلاش برای تزریق اصالت و هویت بومی منطقه دیده می‌شود و اقداماتی از این جنس موجب می‌شود آثاری متفاوت و تحسین‌برانگیز خلق شود.

■ **سرمایه فرهنگی**

مازندران شهرهایی همچون ساری، بابل، آمل، تنکابن و رامسر را در خود جای داده که گنجینه‌های معماری ارزشمندی دارند. متأسفانه تا امروز، بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها در حد انتظار و حتی نسبت به ظرفیت موجود، محقق نشده است.

اکنون به نظر می‌رسد شهرداری تنکابن می‌خواهد در این مسیر قدم بردارد؛ تصمیمی که به‌تازگی در این زمینه اتخاذ شده، می‌تواند برای شهری با قدمت تنکابن امیدوارکننده باشد.

در همین ارتباط شهردار تنکابن در نشست شورای اداری این شهر با تأکید بر اهمیت حفظ بافت‌های تاریخی و هویت‌ساز شهر گفت: معتقدم بخش زیادی از مناطق شهری که از آن به عنوان بافت فرسوده یاد می‌شود، اساساً بافت فرسوده نیست، بلکه محله‌های قدیمی‌اند که نماد هویت و اصالت این شهر هستند و باید حفظ شوند.

محمدابراهیم لاریجانی با اشاره به محلاتی مانند شهسوار محل به عنوان نقطه آغاز شکل‌گیری شهر تنکابن، خاطرنشان کرد: این محله‌ها و کوچه‌های تنگ و قدیمی آن‌ها بخشی از هویت شهری محسوب می‌شوند که نباید با تعریض‌های بی‌رویه و نوسازی‌های بی‌برنامه از بین بروند. از بین بردن بافت‌های قدیمی هنر مدیریت شهری نیست.

شهردار تنکابن ادامه داد: برای نمونه، هسته مرکزی شهر بافت میراثی و تاریخی تنکابن است و در حال حاضر به جز مواردی محدود که مربوط به سال‌های گذشته است، در این محدوده‌ها مجوز ساخت‌وساز صادر نمی‌شود.

وی گفت: شهرداری باید راهکارهایی نظیر در اختیار گذاشتن زمین‌های معوض، امکان مدیریت صحیح این بافت‌ها و همچنین تأمین حقوق مالکان را فراهم کند تا آن‌ها با انگیزه بیشتری به حفظ و مرمت بناهای خود بپردازند.

تبدیل روستاها به هدف گردشگری؛ خوب یا بد؟

«روستاهای گردشگری» از رونق اقتصادی تا دغدغه تخریب

فاطمه طالبیان شریف | روستاها همیشه بخشی از هویت فرهنگی و تاریخی هر سرزمین بوده‌اند؛ مکان‌هایی که در آن‌ها زندگی با ریتم طبیعت جریان دارد و سنت‌ها، آداب و شیوه‌های معیشت نسل به نسل منتقل شده‌اند. در سال‌های اخیر، توجه به ظرفیت‌های گردشگری روستاها بیش از گذشته افزایش یافته و بسیاری از این مناطق به مقاصدی برای سفر و تجربه سبک متفاوتی از زندگی تبدیل شده‌اند. اما تبدیل یک روستا به مقصد گردشگری، تنها به معنای جذب مسافر و رونق اقتصادی نیست. این تغییر می‌تواند فرصت‌های تازه‌ای برای اشتغال، معرفی فرهنگ بومی و توسعه زیرساخت‌ها فراهم کند، اما در عین حال اگر بدون شناخت و برنامه‌ریزی انجام شود، ممکن است بر محیط زیست، فرهنگ محلی و حتی هویت روستا تأثیرات جبران‌ناپذیری بگذارد.

از همین رو، توسعه گردشگری روستایی همواره با پرسش‌های مهمی همراه است؛ اینکه چگونه می‌توان میان منافع اقتصادی و حفظ اصالت روستا تعادل برقرار کرد، چه معیارهایی برای انتخاب روستاهای هدف گردشگری وجود دارد و نقش جامعه محلی در این مسیر چیست.

در گفت‌وگوی پیش رو با کاوه امین، فوق دکترای برنامه‌ریزی منطقه‌ای گرایش گردشگری، مدرس دانشگاه و فعال گردشگری، به این پرسش‌ها و مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌های گردشگری روستایی پرداخته شده است.

■ **خیلی از روستاها به سوژه هدف گردشگری تبدیل شده، آیا این امر خوب است یا بد؟**

روستای هدف گردشگری به شرط تعریف دقیق و صحیح از گردشگری روستایی به شدت مورد قبول تمام جوامع دانشگاهی و جوامع حرفه‌ای گردشگری است. اگر بتوانیم مسائلی مانند تنش میان گردشگر و میزبان را حل کنیم و اگر زیرساخت‌های گردشگری را جدا از زیرساخت‌های زندگی روستایی ارتقا دهیم، به شدت موضوع گردشگری روستایی را تأیید می‌کنم. اما اگر فقط یک روستا را به عنوان یک هدف تعریف کنیم، بدون اینکه تعریف درستی از گردشگری روستایی برای آن ارائه کنیم و ویژگی‌ها، توانمندی‌ها و محدودیت‌های آن روستای خاص را احصا نکرده و برایش برنامه‌ریزی نکنیم، بدترین کاری است که می‌توانیم در حق یک زندگی روستایی انجام دهیم. پس کلیدواژه ما در ارتباط با گردشگری روستایی و روستاهای هدف گردشگری «برنامه‌ریزی گردشگری به شرط انجام برنامه‌ریزی» است، با این حساب تبدیل روستاها به روستای هدف گردشگری کاملاً مورد تأیید است.

■ **روستای گردشگری با روستای عادی چه تفاوتی دارد؟**

موتور محرک گردشگری برای همه انواع گردشگری و نه فقط گردشگری روستایی در تفاوت خلاصه شده است؛ ما برای اینکه بتوانیم گردشگری پویا و فعالی داشته باشیم، باید تفاوت‌ها را درک کنیم. پس روستاهای هدف گردشگری باید تفاوت‌هایی را با زندگی روزمره مخاطبان خود و گردشگران به نمایش بگذارند، حال برخی از این موارد شامل معیشت روستایی است؛ یعنی معیشت روستایی اگر به شکل کلاسیک حفظ شود و بر پایه کشاورزی، دامداری و زندگی دهقانی باشد خود، این تفاوت را تا حدی ایجاد می‌کند.

آنچه گردشگر امروز به دنبال آن است فقط دیدن شیوه‌های معیشت روستایی نیست. باید روستاهایی را به عنوان روستای هدف از روستاهای معمولی متمایز کنیم که آن روستا یک‌سری ویژگی‌های کلیدی متفاوت از زندگی روزمره گردشگران ارائه دهد. حال این ویژگی‌ها می‌تواند به جنبه‌هایی مانند اکوسیستم حتی انسانی، اقلیم، نوع معماری روستا، نوع معیشت روستا و روابط انسانی و فرهنگ روستایی آن مرتبط باشد. پس روستاهایی را باید به عنوان هدف گردشگری انتخاب کنیم که واجد این شرط اساسی باشند که حتماً دارای تفاوت‌هایی نسبت به زندگی روزمره گردشگران و از آن مهم‌تر نسبت به سایر روستاها باشند.

باید وجوه ممیزه را کشف و شناسایی و به عنوان یک‌سری عارضه‌های مثبت تقویت کنیم. در اصطلاح مزیت‌های نسبی و مطلق آن روستا نسبت به روستاهای دیگر و نسبت به زندگی شهری را کشف، احصا و تقویت کنیم. در این صورت می‌توانیم بگوییم این روستا آیا واجد شرط گردشگری شدن هست یا خیر. این امر برای شناسایی روستاهای هدف گردشگری است.

نکته مهم‌تر اینکه برای حفظ پایداری آن‌ها و مسئولیت‌پذیری گردشگران باید روستاهایی را انتخاب کنیم که آستانه تحمل بالا و توانمندی حفظ زندگی خودشان و شرایط موجودشان را در مواجهه با گردشگران داشته باشند. این موضوعی است که در ایران متأسفانه کمتر به آن بها داده می‌شود؛ روستاها به عنوان روستای هدف گردشگری انتخاب می‌شوند اما به زودی با توسعه‌ای که گردشگری ایجاد می‌کند از نظر اقتصادی و شاید اجتماعی، آن روستا دیگر کارکرد روستایی خودش را از دست داده و به یک روستای فقط نمایشی تبدیل می‌شود. در خیلی از مکان‌های دنیا این اتفاق می‌افتد و در ایران هم متأسفانه کم شاهد این اتفاق نبوده‌ایم.

■ **مهم‌ترین معایب و چالش‌های توسعه گردشگری در روستاها چیست؟**

ما باید به سمت گردشگری پاک حرکت کنیم. اثرات گردشگری بر محیط متأسفانه خیلی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. یک نکته اساسی که باید در نظر گرفته شود این است که آیا ورود گردشگران به این روستا بر زندگی روستاییان، محیط شغلی، محیط اطراف، محیط طبیعی اطراف و بر مراتع آن‌ها اثرات سوء می‌گذارد یا خیر؟ به عنوان مثال، یک گردشگر در حالت عادی تقریباً چیزی بیش از ۲۰ برابر یک فرد عادی در شهر مصرف آب و تولید فاضلاب دارد. این نسبت در روستا به مراتب بالاتر می‌رود. در اقلیم خشکی که ما در ایران داریم می‌توانیم محاسبه کنیم که این امر چقدر می‌تواند اثر منفی بر زندگی روستایی بگذارد؛ روستایی که تأمین آب خود را به سختی انجام می‌دهد، پس از ورود گردشگران، آن‌ها منابع آبی را مصرف و فاضلاب تولید می‌کنند، مثلاً در روستای کوهستانی حتی دفع این فاضلاب‌ها با مشکل مواجه می‌شود و حیات روستایی را در درازمدت یا حتی میان‌مدت و بعضاً کوتاه‌مدت به خطر می‌اندازد. این یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های من و هم‌صنفانم در زمینه گردشگری روستایی است. درواقع باید به کشش و توان آن منطقه در پذیرش گردشگران، آستانه تحمل آن روستا برای پذیرش گردشگر و به نقاط بحرانی‌ای که گردشگری برای زندگی روستایی ممکن است ایجاد کند توجه شود. در خیلی از جاهای دنیا این‌گونه عمل می‌شود که با برنامه‌ریزی درست، میزان و حجم ورودی گردشگر به یک روستای هدف گردشگری را محدود می‌کنند که آن روستا بتواند خودش را در برابر خودش تاب‌آور نشان دهد و در برابر آن حجم گردشگر از نظر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و شیوه‌های معیشتی دچار فروپاشی نشود.

■ **چگونه می‌توانیم میان منافع اقتصادی و حفظ ارزش‌های فرهنگی و زیست‌محیطی در این نوع از گردشگری تعادل برقرار کنیم؟**

ما اگر بخواهیم فقط توسعه گردشگری را توسط بنگاه‌های گردشگرفرست درنظر بگیریم، با توجه به اینکه بیشتر به منفعت شخصی و به حاشیه سود خودشان فکر می‌کنند، موجب می‌شود چرخه‌های اقتصادی به نفع بنگاه که حتی ممکن است ریشه‌هایش خارج از منطقه باشد سقوط کند. نکته اساسی اینجاست که حتماً جامعه محلی ابتدا آگاه و بعد درگیر مسائل گردشگری شوند. روی مسئله آگاهی به شدت تأکید می‌کنم جامعه محلی اول باید آموزش ببینند تا اثرات مثبت و منفی گردشگری را بشناسند. در نگاه اول، وقتی گردشگر وارد روستا می‌شود چرخه اقتصادی با سرعت بیشتری می‌چرخد، فروشگاه‌های محلی بیشتر کار می‌کنند و بنگاه‌های محلی و اقامتگاه‌های محلی سود بیشتری دارند، اما در درازمدت این ناآگاهی جامعه روستایی موجب می‌شود این‌ها هم آلوده به آن سود موقت و غیر پایدار شوند. پس جامعه محلی ابتدا باید نسبت به ویژگی‌های مثبت و منفی گردشگری آگاه و بعد در جذب و برنامه‌ریزی درخصوص گردشگران درگیر و دخیل شوند.

در نبود جامعه محلی آگاه و دغدغه‌مند نسبت به مسائل گردشگری، بی‌شک حمایت‌های ان‌جی‌اوها، فعالان گردشگری و حتی پیش‌بینی‌هایی از نظر دولت و حمایتگری‌های دولتی در این زمینه به صورت مستقل باید صورت بگیرد. به نظرم در روستاهایی با جمعیت کمتر این وظیفه وزارت میراث فرهنگی است که اگر این آگاهی و دغدغه در محل وجود ندارد، به صورت وکالتی این اتفاق توسط ارگان‌های دولتی رخ دهد.

■ **گردشگری روستایی در ایران با مدل‌های موفق در جهان چقدر شباهت یا تفاوت دارد؟**

شاید نتوان گردشگری روستایی در ایران را با جهان خیلی راحت مقایسه کرد، چراکه اقلیم ایران، اقلیم بسیار وسیعی است. ما روستاهایی داریم که ممکن است با چهارگوشه دنیا قرابت‌های معناداری داشته باشند. از سمت دیگر ما یک نوع محافظه‌کاری کلاسیک در زندگی روستایی خودمان داریم که در اصطلاح به آن محافظه‌کاری روستایی گفته می‌شود. روستایی‌ها به‌طبع به صورت کلاسیک نسبت به تغییرات قدری محافظه‌کارند و با سرعت کمتری به سمت تغییرات حرکت می‌کنند. پس مهم‌ترین تفاوت گردشگری روستایی در ایران نسبت به گردشگری روستایی در کشورهای دیگر این است که جامعه روستایی نسبت به پذیرش تغییرات به‌خصوص تغییرات اجتماعی به شدت کُند عمل می‌کند.

در مورد شباهت، عمده گردشگری روستایی بر شیوه‌های معاش و ارتباط انسان با زمین اطراف خودش شکل می‌گیرد. در مورد شباهت گردشگری روستایی با دنیا می‌توانیم به شیوه‌های تولید و استفاده از زمین به صورت مستقیم برای تولید سود اقتصادی اشاره کنیم. شباهت بر پایه اقتصاد کشاورزی و دامداری است و تفاوت هم در اینکه جامعه محلی روستاهای ایرانی محافظه‌کارتر هستند.

■ **چه نوع آموزش‌ها، حمایت‌ها و زیرساخت‌هایی برای روستاییان فعال در این حوزه ضروری به نظر می‌رسد؟**

اکنون در وزارت میراث فرهنگی و در معاونت‌های آموزش، مدیرکل آموزش برنامه‌هایی با نام «بلد محلی» تعریف کرده است، بلدهای محلی، لیدرهای لوکالی هستند که در روستاها فعالیت می‌کنند برای اینکه بتوانند فرهنگ و زندگی روستایی را بهتر به مخاطبان بشناسانند. این حرکت بسیار خوبی است اما چیزی که جای آن در بحث آموزش جامعه محلی خالی است، این است که گروه‌هایی را به عنوان ریش‌سفیدان آن محل شبیه به هیئت امنای آن روستا برای اینکه بتوانند روستا را در برابر تبعات منفی توسعه خودش از خودش محافظت کنند، داشته باشند یعنی باید آموزشی ببینند که بتوانند تشخیص دهند و تفاوت میان توسعه پایدار و ناپایدار را بشناسند.

کسانی که مستقیم در اقتصاد گردشگری روستایی دخیل می‌شوند معمولاً به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه، به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه نسبت به اثرات منفی گردشگری در روستای خودشان چشمانشان را می‌بندند. پس ما گروه‌هایی را لازم داریم که نسبت به این موضوعات موضع منطقی و سختگیرانه داشته باشند و خودشان ذی‌نفع در اقتصاد گردشگری نباشند تا بتوانند تضمین‌کننده پایداری روستا باشند. متأسفانه برای این بخش از آموزش اکنون جایی نداریم. شاید از طریق آموزش‌های عمومی، صداوسیمای محلی و مساجد روستاها بتوانیم این آموزش‌ها را به روستاهایی که دغدغه گردشگری شدن دارند یا در مراحل نخست گردشگری شدن یا درگیر در گردشگری هستند، انتقال دهیم. پس آموزش به کسانی که خودشان مستقیم درگیر اقتصاد مثبت گردشگری نیستند، مهم است و جای خالی آن در آموزش امروز گردشگری روستایی به شدت احساس می‌شود.

جدول ۹۴۶۰

طراح: محمدرضا علی‌زاده zadehalireza@gmail.com

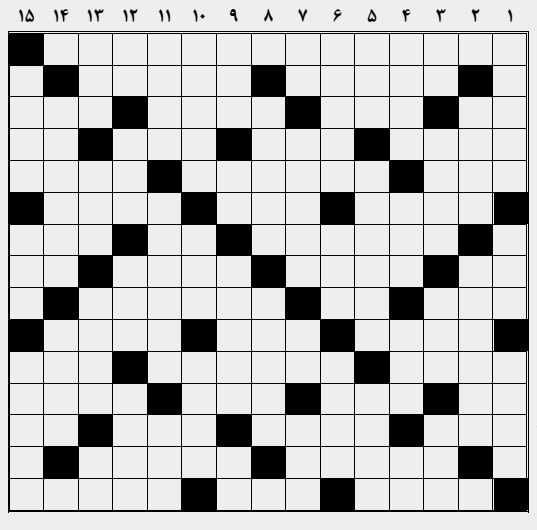

■ **افقی**

۱. ورزشکار انگلیسی رکورددار جهانی پرش سه‌گام ۲. معبد یهود - کاشف قانون جاذبه عمومی زمین ۳. پروردگار - امیدواریم هیچ‌گاه در کارتان نیفتد - چهارچوب عکس - دوتایی ۴. مقابل فروع - صدا - زاپاس - خاندان ۵. یک ترکی - ساختمان باسابقه تجاری تهران که درسال ۱۳۹۵ در جریان یک آتش‌سوزی ویران شد - از تن‌پوش‌های فصل سرما ۶. شهر کرمان - محنت - بدبختی ۷. خبرکشی سیاسی - گشاده و باز - شتر جلو کاروان ۸. تردید - مثل نمره‌ای که براساس مقدار پاسخ نوشته‌شده داده شود - غروب - برهنه ۹. نهنگ - عنصر شیمیایی - هم‌چندی ریاضیاتی ۱۰. عرصه مسابقات اسبدوانی - درخواست حاجت از درگاه خدا - پیروان حضرت موسی(ع) ۱۱. افشره - گوسفند مرغوب استرالیایی - برصورت آقایان بجویید ۱۲. زینت‌رو - مکانی مقدس در مکه - مادر فلزات - شن نرم ۱۳. ورزش مفرح آبی مورد تأکید اسلام - بسیارکشنده - مشت‌ومال - چه‌وقت؟ ۱۴. مدار یکپارچه الکترونیکی - التیام‌بخشی ۱۵. سایدبای‌ساید - بخیه - شاعر و عارف ایرانی قرن‌های ۵و۶ هجری ملقب به حکیم بزرگ

■ **عمودی**

۱. از پاپوش‌ها - قسمت متحرک میز - ابزاری در دست بنا ۲. بینا - خودرو بزرگ حمل بار ۳. دهان پرنده - پرحرف - شهر خروس جنگی - ذره بنیادی ۴. موجود سربار - قرض - قبل از دهم و بعد از هشتم - پروردگار ۵. ماه پرتابی - شخصیت، اعتبار و نفوذ اجتماعی - درودگر ۶. بیماری برون‌روش - دعای زیرلب - موسیقی نظامی ۷. عدد منفی - تفتیش - مروارید درشت - کلس ۸. عرق این گیاه دارویی شست‌وشو دهنده کبد و کلیه، خون‌ساز - سنگ محک ۹. بزرگ‌ترین چین‌خوردگی رشته کوه زاگرس - ناراست - صدقه - مفرد ۱۰. از لوازم صوتی و تصویری - پایداری بر سر پیمان - دومین سیاره منظومه شمسی ۱۱. جنگ و نبرد - از انواع چین‌خوردگی‌های سطح زمین - سینمای فاجعه آبادان ۱۲. برهنه - چوبدستی فیلبان - دایه - آراسته ۱۳. مکان امن - شتر عرب - فریادشادی - بوی رطوبت ۱۴. برگه‌فروش - صفحه مدور رایانه و خودرو ۱۵. غذایی با گوشت چرخ‌کرده، سیب‌زمینی، آرد و تخم‌مرغ - خوردنی دردآور - از مترجمان نهج‌البلاغه
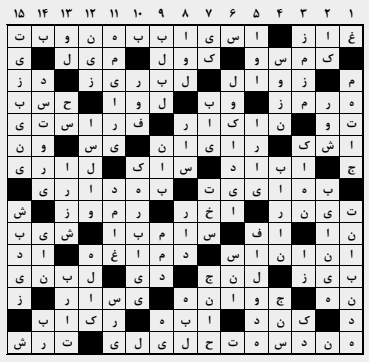
حل جدول شماره قبل